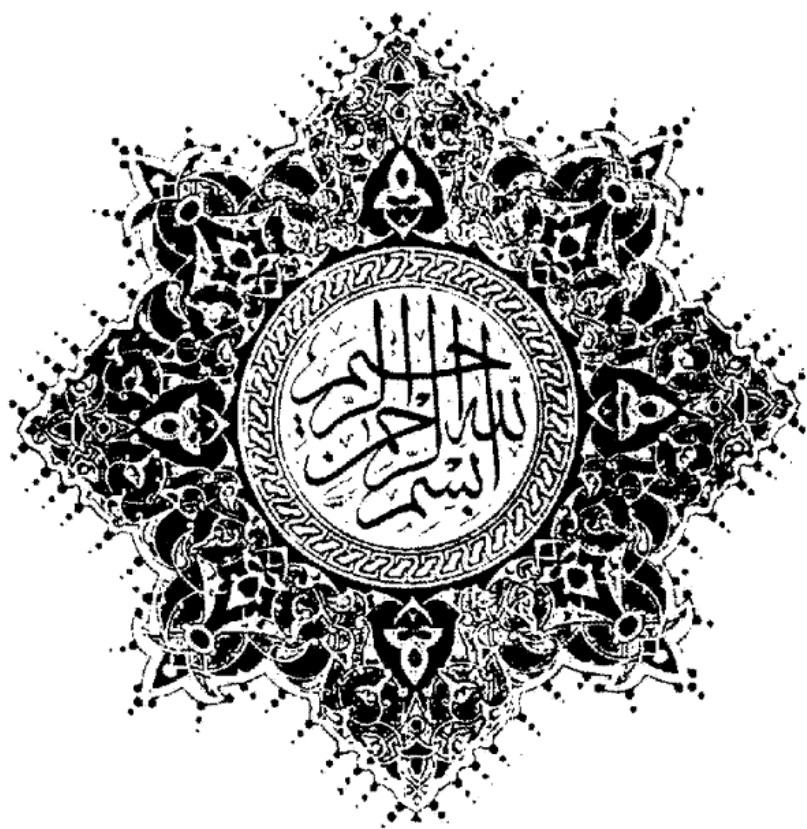


۴۰ حدیث

در حقوق پدر و مادر

اثر: ابو شاکر مسلم



**«نزد الله عزوجل کاری را
نزدیکتر از نیکی به مادر
نمی دانم»**

«عبدالله بن عباس رضی عنه»

«الأدب المفرد» 

این کتاب، از کتابخانه موحدین دانلود شده است

چاپ و نشر این کتاب برای هر مسلمان آزاد است

فهرست

مقدمه ۹ /

دستورات قرآن کریم، در اطاعت از پدر و مادر ۱۰ /

چهل حدیث درباره حجاب

نیکی به والدین، از محبوب ترین اعمال نزد الله تعالی است ۱۵ /

هر کس می خواهد عمرش طولانی، و روزیش بسیار گردد، پس با پدر

و مادر خود نیکی کند ۱۵ /

پدر و مادر بهترین و بالاترین، درهای بهشت می باشند ۱۶ /

اگر بخواهیم، حق پدر ما را ادا کنیم! ۱۶ /

احترام به پدر و مادر این نیست که هر سخن خلاف شریعت آنها را

باید پذیرفت! ۱۷ /

زن، سبب نشود که شخص نافرمانی پدر و مادرش را کند ۱۹ /

مادر نسبت به پدر، حق بیشتری دارد ۲۰ /

بهشت، زیر پاهای مادران است ۲۰ /

هیچ کاری نزد الله تعالی نزدیک تر از نیکی به مادر نیست! ۲۲ /

- احترام و توقیر پدر و مادر، سبب دخول بهشت می گردد..... / ۲۲
- اگر رضایت رب العالمین را خواهانیم، پس والدین خود را راضی نگه داریم..... / ۲۳
- برای نیکی کننده به پدر و مادر، دو دروازه ای بهشت باز می شود..... / ۲۳
- در وقت فرض کفایی بودن جهاد، بهترست پدر و مادر خدمت شوند..... / ۲۴
- خدمت والدین خود، جهاد است..... / ۲۶
- احترام پدر و مادر، هم جهاد، وهم حج و عمره است..... / ۲۶
- پدر و مادر، بهشت و جهنم ما هستند!..... / ۲۷
- از ثمرات احترام بر پدر و مادر اینست که در دنیا آن به دست می آید، و در زندگی و فرزندان برکت می افتد..... / ۲۸
- احترام خاله، بخاطر مادر..... / ۳۲
- هرکس گناهان بسیار دارد، پس با نیکویی به پدر و مادر آنها را محو کند..... / ۳۳
- بخاطر پدر، بر کاکای تان احترام کنید..... / ۳۴

- برای اینکه پدر احترام شود، در رو بروی او باید بنشینیم..... / ۳۴
- بخاطر احترام پدر، از جای بلند شویم..... / ۳۴
- بهترین مکان را برای پدر و مادر باید انتخاب کرد..... / ۳۴
- مادرت هرگاه مشرک که هم باشد، باید باوی قطع رابطه نکنی... / ۳۵
- یکی از حقوق پدر و مادر بالای ما، دعای های پنهانی و خاص در حق آنان است..... / ۳۶
- صدقه های جاریه و دعاها، دو کاری که پدر و مادر نهایت بعد از مرگ شان ضرورت دارند..... / ۳۷
- یکی از حقوق پدر بالای فرزندش اینست که با دوستان پدر بعد از مرگش، رابطه دوستی ببندد..... / ۳۷
- نافرمانی از والدین حرام است..... / ۳۹
- در روی پدرت طوری نگاه کن که آخرین لحظات زندگی ات است!..... / ۴۰
- گفتار و کردارت، سبب رنجش والدینت نگردد..... / ۴۱
- نافرمانی والدین، از گناهان کبیره است..... / ۴۱

- می خواهی الله تعالى را خشمگین سازی پس پدر و مادرت را
 ۴۲ /.....خشمگین نما.
- الله تعالى بهشت را بر نافرمان والدین حرام گردانیده است..... / ۴۳
- هستند کسانی که والدین خود را دشنام می دهند، اما چگونه!.... / ۴۴
- دشنام دادن والدین دیگران، دشنام دادن والدین خود هست..... / ۴۴
- الله تعالى از رحمتش محروم ساخته کسی را که والدین خود را لعنت
 نماید..... / ۴۵
- سزایی هر گنهکار را الله تعالى در آخرت می دهد، اما سزایی نافرمان
 والدین را در دنیا!..... / ۴۵
- الله تعالى نماز کسی را که پدر و مادرش از وی ناراض باشد، نمی
 پذیرد..... / ۴۶
- دعای جبریل در حق کسانی که نافرمانی والدین خود را می کنند،
 و گفتن "آمین" توسط پیامبر ﷺ..... / ۴۷
- فرزند می تواند از برای پدر و مادرش، صدقه دهد..... / ۴۸
- احترام والدین، در نزد پیامبران..... / ۴۹
- پدر و مادرت را به اسم شان صدا زن! و قبل از آنها منشین!..... / ۴۹

«۴۰» حدیث درباره حقوق پدر و مادر

- گریه آوردن پدر و مادر، از گناهان کبیره است..... / ۵۰
- دعای پدر و مادر مستجاب خواهد شد، پس کاری نکن که پدر و مادر در حق ات دعای بد کنند..... / ۵۰
- هیچگاه حرف مادرت را به زمین نینداز، اگر چه در نماز ایستاده باشی!..... / ۵۰
- تو هیچ مالی نداری، همه از پدرت هست!..... / ۵۷
- اگر می خواهید فرزندانِ تان احترامِ تان را کند، پس احترام پدر و مادر را ننماید..... / ۵۷
- چشمانت را طرف والدینت ببند!..... / ۵۸
- پدر مادر بعد از مرگ شان، بالای فرزندان شان چه حقی دارند؟.. / ۵۸
- فهرست مصادر و مراجع..... / ۶۰

مُتَكَمِّمًا

الحمد لله الذي قرن طاعته بطاعة الوالدين، وألزم حقوقه بحقوق الوالدين، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، الواحد الفرد الصمد، الوهاب الماجد، وأشهد أن نبينا محمداً ﷺ، الذي حث الأبناء وأمرهم ببر الوالدين، وحذرهم ورهيبهم من مغبة العقوق، وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين... أما بعد:

علمای اسلام در حقوق والدين كتابهای بیشماري نوشته اند که از آن جمله کتاب ذهبي و قيمتی: «بر الوالدين» از "جمال الدين، أبو الفرج، عبد الرحمن بن علي بن محمد بن الجوزي" می باشد. البته من خواستم فقط احاديث رسول الله ﷺ را از پيش از (۵۰) کتب مصادر و مراجع حدیثی گردآورم، که این چنین رساله‌ی در بین فارسی زبانان کم یافت است.

احاديث را معلق ذکر نموده، و کوشش کرده ام که احاديث صحيح و حسن را جمع آوری نمایم، و چند حدیث (محدود) ضعیف که ذکر شده، بخاطر چند علت: ۱- در ذیل به آن حکم ضعف را نموده ام، ۲- بخاطري که دیگران بدانند که این حدیث ضعیف است، ۳- پوشیده نماند که برای نویسنده این احاديث معلوم نبوده، و ۴- معلوم شود که این حدیث، مخالف فلان حدیث قوی است. از الله تعالی می خواهم که این کوشش ناچیز بنده را در حسناتم بیفزاید.

أبو شاکر مسلم

دستورات قرآن کریم، در اطاعت از پدر و مادر

قَالَ تَجَالَى: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ﴾ (لقمان / ۱۴).

یعنی: «انسان را به نیکی و احترام به پدر و مادرش توصیه کردیم؛ مادرش او را با ضعف ها و سختی های متوالی در شکم خود حمل کرد و از شیر بریدن او در دو سال است؛ پس به او (سفارش کردیم) که شکر نعمت من (الله) و پدر و مادرت را به جای آور.»

وَقَالَ تَجَالَى: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ (سوره بقره: آیه ۸۳).

یعنی: «و زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز الله یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید و نماز را برپا دارید و زکات

بدهید. سپس همه شما جز عده کمی سرپیچی کردید و روی گردان شدید».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا﴾ (مریم: ۱۴).

یعنی: «و در حق پدر و مادرش بسیار نیکی و احسان می کرد و هرگز ستمگر و گناه کار نبود».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا﴾ (مریم: ۳۲).

یعنی: «(الله مرا) به احسان و نکوئی با مادرم، توصیه نموده و مرا ستمگر و بدبخت نگردانیده است».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجَنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا﴾ [النساء ۳۶].

یعنی: «الله یگانه را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر، و خویشان، و یتیمان، و فقیران، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست نزدیک، و رهگذران،

«۴۰» حدیث درباره حقوق پدر و مادر

و بردگان، و پرستاران که زیر دست شمایند، در حق همه، نیکی و مهربانی کنید، که الله مردم خودپسند متکبر را دوست نمی دارد».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا﴾ [أحقاف: ۱۵].

یعنی: «و به انسان در باره پدر و مادرش به نیکوکاری سفارش کرده ایم».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (عنکبوت / ۸).

یعنی: «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، اگر آن دو تلاش کردند که برای من شریک قرار دهی که کمترین اطلاعی از آن نداری از ایشان اطاعت مکن، باز گشت همه شما به سویی من است و از کارهایی که کرده اید شما را آگاه میکنم».

وَقَالَ تَعَالَى: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا

تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۲۳) وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿۱﴾ (الإسراء: ۲۳ و ۲۴).

یعنی: «و پروردگارت فرمان داد که جز او را عبادت و پرستش نکنید و به پدر و مادر نیکی نمایید. و چون یکی از آنها یا هر دوی آنها نزدت به سن پیری رسیدند، کوچک ترین سخن ناخوشایندی به آنان مگو و بر سرشان داد مزن و به آنان سخن نیکی مگو. و فرو خوابان برای آنان بال فروتنی را از مهر و بگو پروردگارا رحم کن بر آنان چنانچه مرا پروریدند در کودکی».



چهل حدیث

درباره

حقوق پدر و مادر

نیکی به والدین، از محبوب ترین اعمال نزد الله تعالی است

۱- وعن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه قال: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟ قَالَ: الصَّلَاةُ عَلَى وَفَّيْهَا وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ.^۱

یعنی: «از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است از رسول الله ﷺ پرسیدم کدام کار را الله دوست تر می دارد؟، فرمود: نماز را در وقتش، گفتم: باز کدام را؟ فرمود: نیکوئی و احسان با پدر و مادر را».



هرکس می خواهد عمرش طولانی، و روزیش بسیار گردد، پس با پدر و مادر خود نیکی کند

۲- رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ لَهُ فِي عَمْرِهِ (أَيُّ يُبَارَكْ لَهُ فِيهِ) وَيَزَادَ فِي رِزْقِهِ؛ فَلْيَبِرَّ وَالِدَيْهِ، وَلْيَصِلْ رَحْمَهُ».^۲

۱- متفق علیه.

۲- (صحیح الترغیب: ۲۴۸۸).

یعنی: «آنکه خوش دارد که عمرش دراز شود و روزیش بسیار؛ با والدینش نیکی کند و پیوند خویشان بدارد».



پدر و مادر بهترین و بالاترین، درهای بهشت می باشند

۳- پیامبر ﷺ می فرماید: «الوالد أوسط أبواب الجنة فإن شئت فأضَعْ ذلک الباب، أو احفظه».^۳

یعنی: «پدر و مادر بهترین و بالاترین، درهای بهشت می باشند پس اگر می خواهی وارد آن شوی مراقب آن در باش «به پدر و مادرت نیکی، و از آنان نافرمانی مکن» و یا آن در را «در اثر آزار و نافرمانی آنان» از دست بده و ضایع گردان».



اگر بخواهیم، حق پدر ما را ادا کنیم!

۴- وعن أبي هريرة رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ: «لَا يَجْزِي وَلَدٌ وَالِدًا إِلَّا أَنْ يَجِدَهُ مَمْلُوكًا، فَيَشْتَرِيَهُ، فَيُعْتِقَهُ».^۴

۳- (أحمد، ترمذی، ابن ماجه ولبانی آنرا در صحیح الترغیب صحیح دانسته است).

۴- بروایت صحیح مسلم.

یعنی: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ فرزندی جزای پدرش را نمی دهد، مگر این که پدرش را برده ی کسی ببیند و او را بخرد و آزاد کند».



احترام به پدر و مادر این نیست که هر سخن خلاف شریعت آنها را باید پذیرفت!

۵- وعن أبي سفيان صخر بن حرب رضی الله عنه في حديثه الطويل في قصة هرقل أن هرقل قال لأبي سفيان: فماذا يأمركم به؟ يعني النبي صلی الله علیه و آله قال: قلت: يقول: «اعبدوا الله وحده، ولا تُشركوا به شيئاً، واتركوا ما يقول آبائكم، ويأمركم بالصلاة، والصدق، والعفاف، والصلة».

یعنی: «از ابوسفیان صخر بن حرب رضی الله عنه در ضمن حکایت طولانی او از داستان «هرقل» (پادشاه رومیان) روایت شده است که گفت: هرقل به او گفت: ای ابوسفیان! او (یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله) شما را به چه فرمان می دهد؟ ابوسفیان می گوید:

جواب دادم: می گوید: «تنها خدا را پرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و آنچه را که پدران شما می گویند، ترک کنید» و ما را به نماز و راستگویی و پاکدامنی و صله‌ی رحم امر می کند.

۶- وعن عبدالله بن حذافة قال: قال رسول الله ﷺ: لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.^۶

از عبدالله بن حذافه رضی الله عنه روایت است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «اطاعت و فرمانبری از هیچکس در نافرمانی خداوند جایز نیست».

۷- وهمچنان رسول الله ﷺ می فرماید: «إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ».^۷

یعنی: «فقط در کار خوب باید اطاعت کرد».



۶- متفق علیه.

۷- متفق علیه.

زن، سبب نشود که شخص نافرمانی پدر و مادرش را کند

۸- وعن ابن عمر رضی الله عنهما قال: «كَانَتْ تَحْتِي امْرَأَةٌ، وَكُنْتُ أَحِبُّهَا، وَكَانَ عُمَرُ يَكْرَهُهَا، فَقَالَ لِي: طَلَّقْهَا فَأَبَيْتُ، فَآتَى عُمَرُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «طَلَّقْهَا».^۸

یعنی: «از ابن عمر رضی الله عنهما روایت شده است که گفت: زنی در نکاح من بود و او را دوست داشتم، اما پدرم آن را نمی پسندید و به من گفت: طلاقش بده، ولی من قبول نکردم، عمر رضی الله عنه نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رفت و مسأله را به او گفت، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «او را طلاق ده».

۹- وعن أبي الدَّرَادِئِ رضی الله عنه أَن رَجُلًا أَتَاهُ فَقَالَ: إِنَّ لِي امْرَأَةً وَإِنْ أُمِّي تَأْمُرُنِي بِطَلَاقِهَا؟ فَقَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ «الْوَالِدُ أَوْسَطُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَإِنْ شِئْتَ فَأَضِعْ ذَلِكَ الْبَابَ، أَوْ احْفَظْهُ».^۹

۸- ابوداود (۵۱۳۸) و ترمذی [(۱۱۸۹)] روایت کرده اند و ترمذی گفته است: حدیث حسن صحیح است.

۹- رواه الترمذی وقال: حدیث حسن صحیح.

یعنی: «از ابودرداء رضی الله عنه روایت شده است که گفت: مردی نزد من آمد و گفت: زنی دارم و مادرم به من امر می کند که طلاقش بدهم، ابودرداء رضی الله عنه می گوید: (به او گفتم): از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «پدر و مادر، بهترین و آسان ترین (راه رسیدن به) در بهشت است، اگر می خواهی، آن در را ضایع و اگر می خواهی، حفظ کن!».

مادر نسبت به پدر، حق بیشتری دارد

۱۰- وعن أبي هريرة رضی الله عنه قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أُمُّكَ» قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «أَبُوكَ».

یعنی: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است مردی خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر الله! کدام کس شایسته تر از همه به خوش رفتاری من میباشد؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: مادر،

گفت: باز کدام؟ فرمود: مادرت گفت: باز کدام؟ فرمود: مادرت گفت: باز کدام فرمود: پدرت». (در پاسخ تکرار سائل تا سه بار فرمود مادرت و بار چهارم فرمود پدرت).

بِهشت، زیر پاهای مادران است

۱۱- عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ جَاهِمَةَ السَّلْمِيِّ أَنَّ جَاهِمَةَ جَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَرَدْتُ أَنْ أَعْزُوَ وَقَدْ جِئْتُ أَسْتَشِيرُكَ فَقَالَ: هَلْ لَكَ مِنْ أُمٍّ؟ قَالَ: نَعَمْ قَالَ: فَالْزَمِهَا فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ رِجْلَيْهَا. ۱۱

یعنی: «از معاویه بن جاهمه سلمی روایت است، جاهمه خدمت رسول الله ﷺ رسید و گفت: ای پیامبر الله، من اراده جهاد دارم و به خدمت رسیده ام تا با شما مشورت کنم رسول الله ﷺ فرمودند: آیا مادر داری؟ گفت: آری فرمودند: خدمت او را بر خود لازم گیر همانا جنت زیر پای مادر است».

هیچ کاری نزد الله تعالی نزدیک تر از نیکی به مادر نیست!

۱۲- عبدالله بن عباس رضی الله عنه می فرمود:

«نزد الله عزوجل کاری را نزدیک تر از نیکی به مادر نمی دانم».^{۱۲}



احترام و توقیر پدر و مادر، سبب دخول بهشت می گردد

۱۳- وعن أبي هريرة رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «رَغِمَ أَنْفٌ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفٌ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفٌ مَنْ أَدْرَكَ أَبَوَيْهِ عِنْدَهُ الْكِبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ».^{۱۳}

یعنی: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است رسول الله ﷺ فرمود: به خاک مالیده شود، باز هم به خاک مالیده شود، باز هم به خاک مالیده شود بینی آن شخص که یکی از والدین یا هر دو را در زمان پیری دریابد (ولی بعلت عدم خوش خدمتی و نکوئی به آنان) داخل بهشت نگردد».

۱۲- الادب المفرد.

۱۳- بروایت صحیح مسلم.

اگر رضایت رب العالمین را خواهیم، پس والدین خود را راضی نگه داریم

۱۴- عن عبدالله بن عمرو رضی الله عنه عن النبي ﷺ قال: «رضا الربِّ في رضا الوالدین».^{۱۴}

یعنی: «از عبدالله بن عمرو روایت است رسول الله ﷺ فرمودند: رضایت خداوند در رضایت و خشنودی پدر و مادر است».



برای نیکی کننده به پدر و مادر، دو دروازه ای بهشت باز می شود

۱۵- وعن ابن عباس رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: ما من مسلم له والدان مسلمان یصبح إلیهما محتسبا إلا فتح الله له بابین (من الجنة) وإن كان واحدا فواحد، وإن غضب أحدهما لم یرض الله عنه حتی یرضی عنه، قیل: وإن ظلماه؟ قال: وإن ظلماه».^{۱۵}

۱۴- (ابن حبان، الترمذی).

۱۵- (البخاری فی الأدب المفرد).

یعنی: «از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هر انسان مسلمانی که به پدر و مادر مسلمانش نیکی کند دو در از درهای بهشت به رویش گشوده می شود و اگر تنها پدر یا مادر داشت دري از بهشت به رویش باز میشود و اگر یکی از والدین ناراض شود، خداوند راضی نمی شود تا زمانی که او از فرزندانش راضی و خشنود گردد، سوال شد، ای پیامبر الله! اگر چه بر فرزند ظلم کرده باشند، فرمود: آری هر چند بر فرزند خود ظلم و ستم کرده باشند».



در وقت فرض کفایى بودن جهاد، بهترست پدر و مادر خدمت شوند

امام بخاری در کتاب صحیح خود فصلي را به عنوان "باب جهاد" به شرط اجازه پدر و مادر و در کتاب "الأدب المفرد" نیز فصلي را به عنوان "کسانی که بدون اجازه پدر و مادر حق رفتن به جهاد را ندارند" قرار داده است.

۱۶- وعن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ قَالَ: «أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: أَبَايُكَ عَلَى الْهَجْرَةِ وَالْجِهَادِ أَبْتَغِي الْأَجْرَ مِنَ اللَّهِ

قَالَ: فَهَلْ مِنْ وَالِدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ قَالَ: نَعَمْ بَلْ كِلَاهُمَا قَالَ: فَتَبْتَغِي
الْأَجْرَ مِنَ اللَّهِ قَالَ: نَعَمْ قَالَ: فَارْجِعِي إِلَى وَالِدَيْكَ فَأَحْسِنِي
صُحْبَتَهُمَا»^{۱۶}.

یعنی: «از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه روایت است مردی
پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من با شما پیمان می‌بندم بر اینکه
جهاد نموده هجرت کنم، پاداش و مزدم را از خداوند
می‌خواهم پیامبر فرمودند: آیا یکی از والدینت زنده هست؟
گفت: آری؛ هر دو زنده اند پیامبر فرمودند: از خداوند پاداش
و مزد می‌خواهی؟ گفت: آری؛ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: پیش
والدینت برگرد و با آنان با خوبی رفتار کن.

خدمت والدین خود، جهاد است

۱۷- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله
فَاسْتَأْذَنَهُ فِي الْجِهَادِ فَقَالَ: «أَحْيِ وَالِدَاكَ» قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: «فَفِيهِمَا
فَجَاهِدْ»^{۱۷}.

۱۶- (مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ).

۱۷- بروایت صحیح البخاری.

یعنی: «از عبدالله بن عمر روایت است مردی از رسول الله ص اجازه رفتن به جهاد خواست فرمود: آیا پدر و مادرت زنده اند؟ گفت: آری فرمود: در خدمت به آنان جهاد کن».

نکته، اما اگر جهاد فرض عین باشد، پس شخص مکلف است که بدون اجازه پدر و مادرش به جهاد بود:

۱۸- چون پیامبر ﷺ می فرماید: «وَإِذَا اسْتَفْرُتُمْ فَأَنْفِرُوا».^{۱۸}

یعنی: «هرگاه از شما خواسته شد که به جهاد بروید، باید به جهاد بروید».



احترام پدر و مادر، هم جهاد، وهم حج و عمره است

۱۹- مردی نزد رسول الله ﷺ آمده و گفت: من شوق جهاد

دارم ولی توان آن را ندارم. پیامبر ﷺ به او فرمود: «هل بقي من والديك أحد؟». قال: أمي. قال: «فاسأل الله في برها، فإذا فعلت ذلك فأنت حاجٌّ ومعتمر ومجاهد».^{۱۹}

۱۸- بخاری ۱۸۳۴ و مسلم ۱۳۵۳.

۱۹- مسند أبویعلی موصلی (۲۷۶۰).

«۴۰» حدیث درباره حقوق پدر و مادر

یعنی: «آیا از پدر و مادرت کدام یک زنده است؟ مرد پاسخ داد: مادرم. فرمود: پس از الله بخواه ترا در نیکی با او یاری دهد. با انجام این کار تو هم حج را گذارده ای و هم عمره را و هم جهاد کرده ای!».۲۰

۲۰- حسن بصری می گوید:

اگر شیی را با مادرت سپری می کنی و سبب تازگی چشمانش می گردی، پس این کار نزد من محبوب تر از حج نفلی است.۲۱



پدر و مادر، بهشت و جهنم ما هستند!

۲۱- عَنْ أَبِي أُمَامَةَ أَنَّ رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: «مَا حَقُّ

الْوَالِدَيْنِ عَلَيَّ وَلَدِهِمَا قَالَ هُمَا جَنَّتَكَ وَنَارُكَ».۲۲

یعنی: «از ابو امامه رضی الله عنه روایت است مردی گفت، ای پیامبر خدا حق پدر و مادر بر فرزند چیست؟ فرمود: آنان جنت و جهنم تو هستند».



۲۰- جامع الاخلاق (۱۷۲۹).

۲۱- أخرجه ابن ماجه (۲/ ۱۲۰۸ ، رقم ۳۶۶۲) قال البوصیری (۴/ ۹۹) : هذا إسناده ضعيف .

از ثمرات احترام بر پدر و مادر اینست که در دنیا آن به دست می آید، و در زندگی و فرزندان برکت می افتد

۲۲- وعن أبي عبد الرحمن عبد الله بن عمر بن الخطاب قال: سمعتُ رسول الله ﷺ يقول: «انطلق ثلاثة نفرٍ ممن كان قبلكم حتى آواهم الميْتُ إلى غارٍ فدخلوه، فانحدرت صخرةٌ من الجبلِ فسدت عليهم الغارَ، فقالوا: إِنَّهُ لا يُنْجِيكُمْ مِنْ هَذِهِ الصَّخْرَةِ إِلَّا أَنْ تَدْعُوا اللَّهَ بِصَالِحِ أَعْمَالِكُمْ. قَالَ رجلٌ مِنْهُمْ: اللَّهُمَّ كَانَ لِي أَبَوَانِ شَيْخَانِ كَبِيرَانِ، وَكُنْتُ لَا أَغْبِقُ قَبْلَهُمَا أَهْلًا وَلَا مَالًا، فَتَأَى بِي طَلَبُ الشَّجَرِ يَوْمًا فَلَمْ أَرْحُ عَلَيْهِمَا حَتَّى نَامَا، فَحَلَبْتُ لَهُمَا غُبُوقَهُمَا فَوَجَدْتُهُمَا نَائِمَيْنِ، فَكْرِهْتُ أَنْ أُوقِظَهُمَا وَأَنْ أَغْبِقَ قَبْلَهُمَا أَهْلًا أَوْ مَالًا، فَلَبِثْتُ - وَالْقَدَحُ عَلَى يَدَي - أَنْتَظِرُ اسْتِيقَاضَهُمَا حَتَّى بَرَقَ الْفَجْرُ وَالصَّبِيَّةُ يَتَضَاغُونَ عِنْدَ قَدَمَيَّ، فَاسْتَيْقَظَا فَشَرِبَا غُبُوقَهُمَا. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ فَعَلْتُ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ فَفَرِّجْ عَنَّا مَا نَحْنُ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الصَّخْرَةِ، فَاثْفَرَجْتُ شَيْئًا لَا يَسْتَطِيعُونَ الْخُرُوجَ مِنْهُ. قَالَ الْآخَرُ: اللَّهُمَّ إِنَّهُ كَانَتْ لِي ابْنَةٌ عَمٌّ، كَانَتْ أَحَبَّ النَّاسِ

إِلَيَّ - وفي رواية: كُنْتُ أَحِبُّهَا كَأَشَدِّ مَا يُحِبُّ الرَّجَالُ النِّسَاءَ - فَأَرَدْتُهَا عَلَى نَفْسِهَا فَاُمْتَنَعَتْ مِنِّي حَتَّى أَلَمْتُ بِهَا سَنَةً مِنَ السَّنِينَ فَجَاءَنِي فَأَعْطَيْتُهَا عِشْرِينَ وَمِئَةَ دِينَارٍ عَلَى أَنْ تُخَلِّيَ بَيْنِي وَبَيْنَ نَفْسِهَا فَفَعَلَتْ، حَتَّى إِذَا قَدَرْتُ عَلَيْهَا - وفي رواية: فَلَمَّا قَعَدْتُ بَيْنَ رَجُلَيْهَا، قَالَتْ: اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَفْضُ الْحَاتِمَ إِلَّا بِحَقِّهِ، فَانْصَرَفْتُ عَنْهَا وَهِيَ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ وَتَرَكْتُ الذَّهَبَ الَّذِي أُعْطِيتُهَا. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ فَعَلْتُ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ فَافْرُجْ عَنَّا مَا نَحْنُ فِيهِ، فَانْفَرَجَتِ الصَّخْرَةُ، غَيْرَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ الْخُرُوجَ مِنْهَا.

وَقَالَ الثَّالِثُ: اللَّهُمَّ اسْتَأْجَرْتُ أَجْرَاءَ وَأَعْطَيْتُهُمْ أَجْرَهُمْ غَيْرَ رَجُلٍ وَاحِدٍ تَرَكَ الَّذِي لَهُ وَذَهَبَ، فَثَمَرْتُ أَجْرَهُ حَتَّى كَثُرَتْ مِنْهُ الْأَمْوَالُ، فَجَاءَنِي بَعْدَ حِينٍ، فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، أَدِّ إِلَيَّ أَجْرِي، فَقُلْتُ: كُلُّ مَا تَرَى مِنْ أَجْرِكَ مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ وَالرَّقِيقِ، فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، لَا تَسْتَهْزِئْ بِي! فَقُلْتُ: لَا أَسْتَهْزِئُ بِكَ، فَأَخَذَهُ كُلَّهُ فَاسْتَاقَهُ فَلَمْ يَتْرُكْ مِنْهُ شَيْئًا. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ فَعَلْتُ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ

وَجْهَكَ فَافْرُجْ عَنَّا مَا نَحْنُ فِيهِ، فَأَنْفَرَجَتِ الصَّخْرَةُ فَخَرَجُوا
يَمْشُونَ».^{۲۲}

یعنی: «از عبدالله بن عمر بن الخطاب روایت است از رسول
الله ﷺ شنیدم که فرمود، در زمان گذشته سه نفر به مسافرت
رفتند و برای سپری کردن شب وارد غاری شدند، ناگهان
سنگی از کوه سرازیر گردید، و دهنه غار را مسدود ساخت
سپس آنان با همدیگر گفتند: هیچ چیزی شما را از این سنگ
نجات نخواهد داد، مگر اینکه از الله بخواهید به برکت اعمال
صالح و نیکتان شما را نجات دهد.

مردی از میان گفت: الهی! من پدر و مادری پیر و ناتوان داشتم
و قبل از آنان هیچ يك از اعضاء خانواده و اموال را سیر
نمی کردم، روزی در جستجوی گیاه دور رفتم و شبانگاه
برگشتم برای آنان شیر دوشیدم، دیدم آنان به خواب رفته اند،
مناسب ندانستم آنها را بیدار کنم، یا اعضای خانواده و اموال
خود را شیر بنوشانم، من همچنان در انتظار بیدار شدن آنها شدم

و ظرف در دستم بود تا صبح دمید در حالی که کودکان در پیش پایم، جزع و فزع می کردند پس آنان از خواب بیدار شدند و شیر خود را نوشیدند، الهی! اگر من اینکار را برای خشنودی تو کردم، ما را نجات ده، سنگ مقداری بلند شد، ولی آنها نمی توانستند خارج شوند.

دیگری گفت: الهی! من دختر عمویی داشتم که محبوب ترین مردم نزد من بود و خواستم با او همبستر شوم، ولی او امتناع می ورزید، تا اینکه بسیار قحط سالی شد پس او نزد من آمد و من به او مبلغ یکصد و بیست دینار دادم به این شرط که خود را در اختیارم بگذارد و او نیز (بعلت فقر و نیاز شدید) قبول کرد، چون در میان پاهایش نشستم گفتم: از الله بترس و این پرده و مهر را (کنایه از پرده بکارت) بدون حق پاره مگردان و من در حالی که او را بسیار دوست می داشتم از او روی برگردانیدم و از طلاهایی که به او داده بودم گذشتم، الهی! اگر این کار را برای رضای تو کردم ما را نجات ده، سنگ مقداری بلندتر شد ولی آنها نتوانستند خارج شوند.

سومی گفت: الهی! من تعدادی کارگر بکار گرفتم و مزدشان را پرداخت نمودم، مگر یکی از کارگران مزدش را گذاشت و رفت، من مزدش را به تجارت انداختم، مال فراوانی بدست آمد پس از مدتی او آمد و گفت: ای بنده الله مزدم را بده گفتم: این همه چیزها را که می بینی از شتر، گاو، گوسفند، غلام و برده، مزد تو هستند، گفت: ای بنده الله مرا مسخره مکن، گفتم: با تو مسخره نمی کنم پس وی همه را گرفت و با خود برد و هیچ چیز باقی نگذاشت، الهی! اگر این کار را برای خشنودی تو کرده ام ما را نجات ده، آنگاه سنگ دور شد و آنها از غار بیرون آمدند و به راه افتادند».



احترام خاله، بخاطر مادر

۲۳- وعن البراء بن عازب رضی الله عنه عن النبي ﷺ قال: «الْحَالَةُ

بِمَنْزِلَةِ الْأُمِّ».^{۲۳}

۲۳- حدیث البراء: أخرجه البخاری (۲/ ۹۶۰، رقم ۲۵۵۲)، والترمذی (۴/ ۳۱۳، رقم ۱۹۰۴) وقال:

صحيح . وابن حبان (۱۱/ ۲۲۹، رقم ۴۸۷۳) . وأخرجه أيضًا: النسائي في الكبرى (۵/ ۱۶۸، رقم

۸۵۷۸)، والبيهقي (۵/ ۸، رقم ۱۵۵۴۶) .

یعنی: «براء بن عازب رضی اللہ عنہ روایت می‌کند، رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند خاله مانند مادر است».



هرکس گناهان بسیار دارد، پس با نیکویی به پدر و مادر آنها را محو کند

۲۴- وعن ابن عمر أنَّ رجلاً أتى النبي ﷺ فقال: يا رسول الله! إني أصبتُ ذنباً عظيماً، فهل لي من توبة؟ فقال: «هَلْ لَكَ مِنْ أُمٍّ؟» قال: لا، قال: «فهل لك من خالةٍ؟» قال: نعم، قال: «فبرّها».^{۲۴}

یعنی: «از ابن عمر روایت است مردی خدمت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم آمد و گفت: من گناه بسیار بزرگی مرتکب شده ام آیا می‌توانم توبه کنم؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: آیا مادر داری؟ گفت: نه، فرمودند: آیا خاله داری؟ گفت: آری؛ فرمودند: پس با او احسان و نیکی کن!».».



بخاطر پدر، بر کاکای تان احترام کنید

۲۵- وعن ابن مسعود رضی الله عنه قال قال النبي ﷺ: «إِنَّ عَمَّ الرَّجُلِ صَنُو أَبِيهِ».^{۲۵}

یعنی: «از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است رسول الله ﷺ فرمودند: همانا عموی شخص مانند پدرش است».



بخاطر احترام پدر، از جای بلند شویم

برای اینکه پدر احترام شود، در رو بر روی او باید بنشینیم

بهترین مکان را برای پدر و مادر باید انتخاب کرد

۲۶- وعن عمر بن السائب رضی الله عنه «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ جَالِسًا فَأَقْبَلَ أَبُوهُ مِنَ الرَّضَاعَةِ فَوَضَعَ لَهُ بَعْضُ ثَوْبِهِ فَقَعَدَ عَلَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَتْ أُمُّهُ مِنَ الرَّضَاعَةِ فَوَضَعَ لَهَا شِقَّ ثَوْبِهِ مِنْ جَانِبِهِ الْآخِرِ فَجَلَسَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ أَخُوهُ مِنَ الرَّضَاعَةِ فَقَامَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَجْلَسَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ».^{۲۶}

۲۵- أخرجه الطبرانی (۱۰/ ۷۲، رقم ۹۹۸۵). وأخرجه أيضًا: في المعجم الأوسط (۱/ ۲۹۹، رقم ۱۰۰۰).

۲۶- رواه أبي داود قال الالبانی: ضعيف الاسناد.

یعنی: «از عمر بن السائب رضی الله عنه روایت است، پیامبر صلی الله علیه و آله روزی نشسته بود که پدر رضاعیش تشریف آورد، قسمتی از لباس خود را پهن کرد و پدرش بر آن نشست، سپس مادرش تشریف آورد، قسمت دیگر لباس را پهن کرد و مادر رضاعیش بر آن نشست، سپس برادر رضاعیش آمد پیامبر صلی الله علیه و آله برای استقبال وی بلند شد و او را روبروی خود نشاند».



مادرت هر گاه مشرک که هم باشد، باید باوی قطع رابطه کنی

۲۷- عَنْ أَسْمَاءِ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ قَالَتْ: قَدِمَتْ عَلَيَّ أُمِّي وَهِيَ مُشْرِكَةٌ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَاسْتَفْتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قُلْتُ وَهِيَ رَاغِبَةٌ أَفَأَصِلُ أُمِّي؟ قَالَ: نَعَمْ صِلِي أُمَّكَ».^{۲۷}

یعنی: «اسماء دختر ابوبکر صدیق روایت می کند میگوید: مادرم در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نزد آمد در حالی که مشرک بود از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فتوا طلب نموده گفتم، مادرم نزد آمده امید و طمع

دارد که به او کمک نمایم آیا با مادرم رابطه برقرار کنم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: آری؛ با مادرت رابطه برقرار کن».



یکی از حقوق پدر و مادر بالای ما، دعای های^{۲۸} پنهانی و خاص در حق آنان است

۲۸- وعن أبي هريرة رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ: تَرْفَعُ لِمَيِّتٍ بَعْدَ مَوْتِهِ دَرَجَتَهُ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، أَيُّ شَيْءٍ هَذَا؟ فَيَقَالُ: وَلَدُكَ اسْتَغْفَرَ لَكَ.^{۲۹}

یعنی: «از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت است رسول الله ﷺ فرمودند: بر درجات بعضی از مردگان پس از مرگ نیز افزوده می شود پس مرده می گوید: پروردگارا این درجه چیست؟ الله می فرماید: فرزندت برای تو طلب مغفرت و آمرزش می کرد».



۲۸- شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید:

فرزند نیک همواره برای پدر [و مادرش] آمرزش می خواهد تا آنکه وی مورد آمرزش قرار گیرد سپس درجاتش در بهشت بالا برده می شود. (شرح الوصیة الصغری)

۲۹- (البخاری، فی الأدب المفرد).

صدقه های جاریه و دعاها، دو کاری که پدر و مادر نهایت بعد از مرگ شان ضرورت دارند

۲۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ».^{۳۰}

یعنی: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه انسان بمیرد عمل او منقطع میگردد مگر از سه چیز:

۱. صدقه جاریه

۲. علم مفید و ثمر بخش

۳. فرزند صالح و نیکوکاری که برای او دعای خیر میکند.



یکی از حقوق پدر بالای فرزندش اینست که با دوستان پدر بعد از مرگش، رابطه دوستی ببندد

۳۰- رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنْ أَبْرَّ الْبَرُّ صِلَةَ الرَّجُلِ أَهْلَ وَدَّ أَبِيهِ».^{۳۱}

یعنی: «از بهترین نیکی‌ها اینست که شخص رابطه‌اش را با دوستان پدرش حفظ نماید».

۳۱- وعن عبد الله بن دينار، عن عبد الله بن عمر أن رجلاً من الأعراب لقيهُ بطريق مكة، فسَلَّم عليه عبدُ الله بنُ عمرَ وحَمَلَهُ عَلَى حِمَارٍ كَانَ يَرْكَبُهُ وَأَعْطَاهُ عِمَامَةً كَانَتْ عَلَى رَأْسِهِ، قَالَ ابْنُ دِينَارٍ: فَقُلْنَا لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، إِنَّهُمْ الْأَعْرَابُ وَهُمْ يَرْضَوْنَ بِالْيَسِيرِ، فَقَالَ: عبد الله بن عمر: إِنَّ أَبَا هَذَا كَانَ وَدًّا لِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ أَبْرَّ الرِّصَالَةِ الرَّجُلُ أَهْلَ وَدِّ أَبِيهِ. ۳۲

یعنی: «عبدالله بن دینار، روایت می‌کند مردی از بادیه نشینان در راه مکه مکرمه با عبدالله بن عمر برخورد کرد عبدالله بن عمر بر او سلام داد و او را بر خری که بر آن سوار می‌شد سوار نمود و عمامه‌اش که بر سرش بود به آن مرد داد عبدالله بن دینار

۳۱- أخرجه أحمد (۹۷/۲، رقم ۵۷۲۱)، والبخاری في الأدب المفرد (۲۹/۱، رقم ۴۱)، ومسلم (۱۹۷۹/۴)،
رقم ۲۵۵۲)، وأبو داود (۳۳۷/۴، رقم ۵۱۴۳)، والترمذی (۳۱۳/۴، رقم ۱۹۰۳) وقال: هذا إسناد
صحيح. وابن حبان.

۳۲- صحيح مسلم.

می‌گویید: ما به او گفتیم، خداوند تو را سلامت دارد آنها بادیه نشین اند و با مقدار اندکی راضی می‌شوند عبدالله بن عمر فرمود: پدر این مرد دوست پدرم عمر بن الخطاب بوده است من از رسول الله ﷺ شنیدم فرمود: همانا بهترین و بالاترین نیکی‌ها آن است که شخص رابطه و پیوندش را با دوستان پدرش حفظ نماید.

۳۲- ابوبرده می‌گوید: من وارد مدینه شدم و عبدالله بن عمر رضی الله عنه نزد من آمد و گفت: میدانی چرا نزد تو آمده ام؟ گفتم: نه. گفت: از رسول الله ﷺ شنیده‌ام که می‌فرمود: "هرکس می‌خواهد به زیارت پدر و مادر خویش در قبرستان برود، از دوستان آنها دیدن نماید". من میدانم که پدرم با پدر تو دوست بود و خواستم برای ادای وظیفه به دیدار تو بیایم.^{۳۳}

۳۳- رسول الله ﷺ می‌فرماید: «فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصِلَ أَبَاهُ فِي قَبْرِهِ فَلْيَصِلْ إِخْوَانَ أَبِيهِ مِنْ بَعْدِهِ».^{۳۴}

۳۳- أخرجه ابن حبان في صحيحه.

۳۴- أخرجه ابن حبان في صحيحه (قال شعيب الأرنؤوط: إسناده صحيح على شرط البخاري).

یعنی: «آنکه دوست دارد با پدرش در قبر صله و پیوند نگاه دارد، حتماً باید با دوستان پدرش در زمان وفات او پیوند و صله بجای آورد».

نافرمانی از والدین حرام است

۳۴- وعن مغیره بن شعبه رضی الله عنه قال: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ عُقُوقَ الْأُمَّهَاتِ».^{۳۵}

یعنی: «از مغیره بن شعبه رضی الله عنه روایت است رسول الله ﷺ فرمودند: همانا خداوند نافرمانی از مادران را حرام نموده است».

در روی پدرت طوری نگاه کن که آخرین لحظات زندگی ات است!

۳۵- وعن عائشة قالت: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَا بَرَّ أَبَاهُ مَنْ شَدَّ إِلَيْهِ الطَّرْفَ بِالْغَضَبِ».^{۳۶}

۳۵- متفق علیه.

۳۶- أخرجه الطبرانی في الأوسط (۹/ ۱۴۹ ، رقم ۹۳۸۱). قال الهيثمي (۸/ ۱۴۷): فيه صالح بن موسى ، وهو متروك .

یعنی: «از عایشه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که با نگاه خشم آلود به پدرش نگاه کند به او نیکی نکرده است.



گفتار و کردار، سبب رنجش والدینت نگردد

۳۶- وعن علي عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ: «مَنْ أَحْزَنَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ عَقَّهٗمَا». ۳۷

یعنی: «از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت است رسول الله ﷺ فرمودند: هر کس پدر و مادرش را (با گفتار یا کردار) ناراحت کند، نافرمان والدین شمار می‌گردد».



نافرمانی والدین، از گناهان کبیره است

۳۷- وعن أبي بكرة بن بكرة عليه السلام نُمَيْع بن الحارث قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَلَا أَنْبِئُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكَبَائِرِ؟» - ثَلَاثًا - قُلْنَا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ (ﷺ)! قَالَ: «الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ، وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ...» ۳۸.

۳۷- قال الشيخ الألباني: (ضعيف) انظر حديث رقم: ۵۳۵۳ في ضعيف الجامع

۳۸- (مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ). /

یعنی: «از ابوبکره نفع بن حارث رضی الله عنه روایت است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا شما را از بزرگترین گناهان کبیره آگاه نسازم؟ و این جمله را سه بار تکرار نمود، ما گفتیم: بفرمائید، ای پیامبر خدا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: شریک قرار دادن به خداوند و نافرمانی از والدین است».

می خواهی الله تعالی را خشمگین سازی پس پدر و مادرت را خشمگین نما

۳۸- وعن عبدالله بن عمرو عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «سَخَطُ الله في سَخَطِ الوَالِدَيْنِ».^{۳۹}

یعنی: «از عبدالله بن عمرو روایت است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: خشم خداوند در نافرمانی و خشم پدر و مادر است».



۳۹- ورواه الحاكم والطبراني والبيهقي والبخاري وغيرهم موقوفا . ۱۳۹۱، حسن لغیره.

الله تعالی بهشت را بر نافرمان والدین حرام گردانیده است

۳۹- وعن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «ثَلَاثَةٌ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَنَّةَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَالْعَاقُ وَالِدَيْتُ الَّذِي يُقْرِئُ أَهْلَهُ الْخَبَثَ».

یعنی: «از عبدالله بن عمر روایت است رسول الله ﷺ فرمودند: الله بهشت را بر سه کس حرام کرده است:

۱. شخص شرابخوار

۲. نافرمان والدین

۳. دیوث که از بدکاری و فساد اخلاقی، همسر و فرزندانش آگاه است ولی عمل پلید آنها را برقرار میدارد.



**هستند کسانی که والدین خود را دشنام می دهند،
اما چگونه!
دشنام دادن والدین دیگران، دشنام دادن والدین
خود هست**

۴۰- وعن عبدالله بن عمرو رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مِنْ
الْكَبَائِرِ شَتْمُ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ «قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ»، وَهَلْ يَشْتُمُ
الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ؟! قَالَ: «نَعَمْ، يَسُبُّ أَبَا الرَّجُلِ، فَيَسُبُّ أَبَاهُ
وَيَسُبُّ أُمَّهُ، فَيَسُبُّ أُمَّهُ».^{۴۱}

یعنی: «از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است رسول الله ﷺ فرمودند: دشنام دادن پدر و مادر از جمله گناهان کبیره است صحابه گفتند: ای پیامبر خدا آیا کسی پدر و مادرش را دشنام می دهد؟ فرمودند: آری! پدر کسی را دشنام می دهد او نیز پدرش را دشنام می دهد و مادر کسی را دشنام می دهد او نیز مادرش را دشنام می دهد».



الله تعالی از رحمتش محروم ساخته کسی را که والدین خود را لعنت نماید

۴۱- وعن علي قال: «قال رسول الله ﷺ: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَيْهِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ آوَى مُحَدِّثًا وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ غَيَّرَ مَنَارَ الْأَرْضِ».^{۴۱}

یعنی: «از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت است پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: لعنت خدا بر کسی که پدر و مادرش را نفرین کند و لعنت خدا بر کسی که برای غیر الله (حیوان) ذبح کند و لعنت خدا بر کسی که شخص بدعتی را پناه دهد و لعنت خدا بر کسی که حصار و نشان زمین را تغییر دهد».



سزایی هر گنهکار را الله تعالی در آخرت می دهد، اما سزایی نافرمان والدین را در دنیا!

۴۲- وعن أبي بكرة رضی الله عنه عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «كُلُّ الذُّنُوبِ يُؤَخَّرُ اللَّهُ تَعَالَى مَا شَاءَ مِنْهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّ اللَّهَ يُعَجِّلُهُ لِصَاحِبِهِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا قَبْلَ الْمَمَاتِ».^{۴۲}

۴۲- أخرجه الحاكم (۱۷۲/۴ ، رقم ۷۲۶۳) ، وقال : صحيح الإسناد . وأخرجه أيضًا : الديلمي (۲۶۷/۳) ،

رقم ۴۷۹۴) . قال الشيخ الألباني : (ضعيف) انظر حديث رقم : ۴۲۱۳ في ضعيف الجامع

یعنی: «از ابوبکره رضی الله عنه روایت است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هر قسمتی از کلیه گناهان را که خداوند بخواهد، کیفر و مجازات آن را برای روز قیامت واگذار می کند، بجز از نافرمانی والدین که خداوند متعال در زمان حیات اولاد و قبل از مرگ سزا و مجازاتش را به آنان می دهد».



الله تعالی نماز کسی را که پدر و مادرش از وی ناراض باشد، نمی پذیرد

۴۳- وعن أبي هريرة رضی الله عنه قال: قال النبي صلی الله علیه و آله: «لا تُقْبَلُ صَلَاةُ السَّائِطِ عَلَيْهِ أَبَوَاهُ».

یعنی: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: نماز آنکس که پدر و مادر از او ناراض هستند قبول نمی شود».



۴۳- أخرجه الحاكم (۱۷۲/۴ ، رقم ۷۲۶۳) ، وقال : صحيح الإسناد . وأخرجه أيضًا : الديلمي (۲۶۷/۳ ، رقم ۴۷۹۴) .

۴۴- این حدیث را امام سیوطی در جامع الاحادیث (۱۶۷۱۰) ذکر کرده است. اما آنرا در کتب مصادر حدیثی نیافتیم، به گمان اغلب که حدیث صحیح نیست، ونباید ابلاغ گردد.

دعای جبریل در حق کسانی که نافرمانی والدین خود را می کنند، و گفتن "آمین" توسط پیامبر ﷺ

۴۴- وعن جابر رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: أَتَانِي جِبْرِيلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَدْرَكَ أَحَدَ وَالِدَيْهِ، فَمَاتَ، فَدَخَلَ النَّارَ، فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، قُلْ آمِينَ، فَقُلْتُ: آمِينَ، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ، فَمَاتَ، فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ، فَأُذِلَّ النَّارَ، فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، قُلْ آمِينَ، فَقُلْتُ: آمِينَ، قَالَ: وَمَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ، فَمَاتَ فَدَخَلَ النَّارَ، فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، قُلْ آمِينَ، فَقُلْتُ: آمِينَ.»^{۴۵}

یعنی: «از جابر رضی الله عنه روایت است رسول الله ﷺ فرمودند: جبریل نزد من آمد و گفت: ای محمد هر کس یکی از والدینش را زنده یافت و سپس مرد و داخل دوزخ گردید (چون خدمت او را درست انجام نداد) الله او را گم کند، بگو: آمین گفتم: آمین و نیز گفت: ای محمد هر کس ماه مبارک رمضان را دریافت و گناهایش مغفرت و آمرزیده نشد، خداوند او را گم کند، بگو:

۴۵- أخرجه الطبرانی (۲/ ۲۴۳)، رقم (۲۰۲۲). وأخرجه أيضًا: البزار كما في كشف الأستار

(۴/ ۴۹ رقم ۳۱۶۶)، قال الهيثمي (۸/ ۱۳۹): رواه الطبرانی بأسانيد، وأحدهما حسن.

قال الشيخ الألباني: (صحيح) انظر حديث رقم: ۷۵ في صحيح الجامع.

آمین، باز هم گفت ای محمد (ﷺ) هر کس که نام تو را شنید و بر تو درود نفرستاد آنگاه مرد و داخل دوزخ شد، خداوند او را گم کند بگو آمین، من گفتم آمین».



فرزند می تواند از برای پدر و مادرش، صدقه دهد

۴۵- عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ ﷺ: إِنَّ أُمِّي افْتَلَتَتْ نَفْسَهَا وَأَظْنُّهَا لَوْ تَكَلَّمْتُ تَصَدَّقْتُ، فَهَلْ لَهَا أَجْرٌ إِنْ تَصَدَّقْتُ عَنْهَا قَالَ: نَعَمْ. ۴۶

مردی آمد و گفت: یا رسول الله ﷺ «مادرم ناگهان وفات یافت و به نظر من اگر فرصت حرف زدن می یافت صدقه می داد، آیا می توانم از سوی او صدقه بدهم؟ فرمود: بله».



۴۶- امام نووی رحمه الله می گوید:

هر کس که می خواهد در حق پدر و مادر در گذشته اش نیکی کند به جایشان صدقه دهد، زیرا صدقه - بدون هیچ

اختلافی میان مسلمانان - به شخص میت می رسد و از آن سود می برد. (شرح صحیح مسلم: ۸۹ / ۱)

۴۷- (السلیمان، ۱۴۰۲، ج ۳، چاپ ۱۱، ص ۴۱۴).

احترام والدین، در نزد پیامبران

۴۶- از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که گفت: خداوند عقوبت سلیمان از همد را به خاطر نیکی همد به مادرش نپذیرفت.^{۴۸}

۴۷- و عکرمه می گوید: سلیمان از کشتن همد صرف نظر کرد، چون همد به والدینش کمک می کرد و رزق و روزی را برای آن ها می برد.^{۴۹}



پدر و مادر را به اسم شان صدا نزن! و قبل از آنها منشین!

۴۸- عن هشام بن عروة عن أبيه أو غيره أن أبا هريرة «أبصر رجلين فقال لأحدهما ما هذا منك فقال أبي فقال: لا تسمه باسمه ولا تمش أمامه ولا تجلس قبله».^{۵۰}

۴۸- أخرجه البخاري في: ۲۳ كتاب الجنائز: ۹۵ باب موت الفجأة البغثة. الله تعالى از سند این روایت بهتر می داند.

۴۹- أخرجه البخاري في: ۲۳ كتاب الجنائز: ۹۵ باب موت الفجأة البغثة.

۵۰- بخاري در "الأدب المفرد"، آلبانی آنرا تصحیح نموده است.

«۴۰» حدیث درباره حقوق پدر و مادر

یعنی: «ابوهریره رضی الله عنه دو مرد را با هم دید و از آنان پرسید که با هم چه نسبتی دارند؟ یکی از آنان گفت: او پدرم است. ابوهریره رضی الله عنه گفت: او را به اسمش صدا مکن و جلوتر از او راه مرو و پیش از او منشین».



گریه آوردن پدر و مادر، از گناهان کبیره است

۴۹- عن طیسلة أنه سمع بن عمر يقول: «بكاء الوالدین من العقوق والكبائر».^{۵۱}

یعنی: «ابن عمر رضی الله عنه می گوید: «گریاندن والدین بی احترامی به آن ها و از جمله گناهان کبیره است».



دعای پدر و مادر مستجاب خواهد شد، پس کاری نکن که پدر و مادر در حق ات دعای بد کنند

۵۰- عن أبی هريرة قال: قال النبي صلی الله علیه و آله: «ثلاث دعوات مستجابات لهن لا شك فيهن دعوة المظلوم ودعوة المسافر ودعوة الوالدین علی ولدهما».^{۵۲}

۵۱- رواه البخاری فی ادب المفرد (۳۱)، وصححه البانی.

۵۲- رواه البخاری فی ادب المفرد، وصححه البانی.

یعنی: «از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سه دعا وجود دارد که بدون شک مستجاب می شوند: دعای مظلوم، دعای مسافر و دعای والدین برای فرزندان شان».



هیچگاه حرف مادرت را به زمین نینداز، اگرچه در نماز ایستاده باشی!

۵۱- وعن أبي هريرة رضی الله عنه عن النبي صلی الله علیه و آله قال: «لَمْ يَتَكَلَّمْ فِي الْمَهْدِ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ، وَصَاحِبُ جُرَيْجٍ، وَكَانَ جُرَيْجٌ رَجُلًا عَابِدًا، فَاتَّخَذَ صَوْمَعَةً فَكَانَ فِيهَا، فَأَتَتْهُ أُمُّهُ وَهُوَ يُصَلِّي فَقَالَتْ: يَا جُرَيْجُ، فَقَالَ: يَا رَبُّ أُمِّي وَصَلَاتِي فَأَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ فَأَنْصَرَفَتْ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ أَتَتْهُ وَهُوَ يُصَلِّي، فَقَالَتْ: يَا جُرَيْجُ، فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ أُمِّي وَصَلَاتِي. فَأَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ أَتَتْهُ وَهُوَ يُصَلِّي فَقَالَتْ: يَا جُرَيْجُ فَقَالَ: أَيُّ رَبِّ أُمِّي وَصَلَاتِي، فَأَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ، فَقَالَتْ: اللَّهُمَّ لَا تُمِتْهُ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى وُجُوهِ الْمَوِمَّاتِ. فَتَذَكَّرَ بَنُو إِسْرَائِيلَ جُرَيْجًا وَعِبَادَتَهُ، وَكَانَتْ امْرَأَةٌ بَغِيٌّ يُتِمِّشُّ بِحُسْنِهَا، فَقَالَتْ: إِنْ شِئْتُمْ لَا فِتْنَنَّهُ، فَتَعَرَّضَتْ لَهُ، فَلَمْ يَلْتَفِتْ

إِلَيْهَا، فَأَتَتْ رَاعِيًا كَانَ يَأْوِي إِلَى صَوْمَعَتِهِ، فَأَمَكَّتْهُ مِنْ نَفْسِهَا
فَوَقَعَ عَلَيْهَا. فَحَمَلَتْ، فَلَمَّا وَلَدَتْ قَالَتْ: هُوَ جُرَيْجٌ، فَأَتَتْهُ
فَاسْتَنْزَلُوهُ وَهَدَمُوا صَوْمَعَتَهُ، وَجَعَلُوا يَضْرِبُونَهُ، فَقَالَ: مَا
شَأْنُكُمْ؟ قَالُوا: زَيْتَ بَهْدِ الْبَغِيِّ فَوَلَدَتْ مِنْكَ. قَالَ: أَيْنَ
الصَّبِيِّ؟ فَجَاءُوا بِهِ فَقَالَ: دَعُونِي حَتَّى أَصْلِيَ فَصَلَّى، فَلَمَّا انْصَرَفَ
أَتَى الصَّبِيَّ فَطَعَنَ فِي بَطْنِهِ وَقَالَ: يَا غُلَامُ مَنْ أَبُوكَ؟ قَالَ: فُلَانُ
الرَّاعِي، فَأَقْبَلُوا عَلَى جُرَيْجٍ يَقْبَلُونَهُ وَيَتَمَسَّحُونَ بِهِ وَقَالُوا: نَبْنِي
لَكَ صَوْمَعَتَكَ مِنْ ذَهَبٍ قَالَ: لَا، أَعِيدُوهَا مِنْ طِينٍ كَمَا كَانَتْ،
فَفَعَلُوا.

وَبَيْنَا صَبِيٌّ يَرْضَعُ مِنْ أُمِّهِ، فَمَرَّ رَجُلٌ رَاكِبٌ عَلَى دَابَّةٍ فَارَاهَهُ
وَشَارَهُ حَسَنَةً فَقَالَتْ أُمُّهُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ ابْنِي مِثْلَ هَذَا، فَتَرَكَ الشَّدِي
وَأَقْبَلَ إِلَيْهِ فَنَظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَنِي مِثْلَهُ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى
ثَدْيِهِ فَجَعَلَ يَرْضَعُ» فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ وَهُوَ يَحْكِي ارْتِضَاعَهُ بِأُصْبُعِهِ السَّبَّابَةِ فِي فِيهِ، فَجَعَلَ
يَمُصُّهَا، قَالَ: «وَمَرُّوا بِبَجَارِيَةٍ وَهُمْ يَضْرِبُونَهَا، وَيَقُولُونَ: زَيْتِ
سَرَقَتْ، وَهِيَ تَقُولُ: حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. فَقَالَتْ أُمُّهُ: اللَّهُمَّ

لَا تَجْعَلْ ابْنِي مِثْلَهَا، فَتَرَكَ الرِّضَاعَ وَنَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِثْلَهَا، فَهُنَالِكَ تَرَجَعَا الْحَدِيثَ فَقَالَتْ: مَرَّ رَجُلٌ حَسَنُ الْهَيْئَةِ فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ ابْنِي مِثْلَهُ فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِثْلَهُ، وَمَرُّوا بِهَذِهِ الْأَمَةِ وَهُمْ يَضْرِبُونَهَا وَيَقُولُونَ: زَيْنَتٌ سَرَقَتْ، فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ابْنِي مِثْلَهَا فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِثْلَهَا؟، قَالَ: إِنَّ ذَلِكَ الرَّجُلَ كَانَ جَبَّارًا فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِثْلَهُ، وَإِنَّ هَذِهِ يَقُولُونَ لَهَا زَيْنَتٌ، وَلَمْ تَزْنِ، وَسَرَقَتْ، وَلَمْ تُسْرِقْ، فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِثْلَهَا».^{۵۳}

یعنی: «پیامبر ﷺ فرمود: در گهواره فقط سه تن سخن گفته اند، عیسی پسر مریم علیهما السلام و دوست جریج. (جریج مردی عابدی بود که عبادتگاهی برای خود ساخته بود و در آن بسر می برد). مادرش آمد در حالیکه او نماز می گزارد، گفت: ای جریج! جریج گفت: خدایا مادرم و نمازم و به نمازش ادامه داد، و مادرش رفت. فردا هم مادرش در حالی آمد که او نماز می گزارد و گفت: ای جریج! او گفت: خدایا مادرم و نمازم و به

نمازش ادامه داد. باز فردا مادرش در حالی آمد که او نماز می گزارد، گفت: ای جریج! گفت: پروردگارا مادرم و نمازم و به نماز خود ادامه داد.

مادرش گفت: خدایا او را نکش تا روی زنهای زنا کار را ببیند. بنی اسرائیل از جریج و عبادتش صحبت کردند، زنی فاحشه بود که به حسن خویش ضرب المثل گشته بود. گفت: اگر بخواهید من او را فریب می دهم، و خود را به او عرضه کرد، ولی او توجهی به وی ننمود. زن پیش چوپانی که در عبادتگاهش زندگی می کرد رفت، خود را در اختیارش گذاشت و با وی زنا نمود و باردار شد، چون ولادت نمود گفت: این طفل از جریج هست، مردم رفته او را پائین کشیده، عبادتگاهش را منهدم ساخته و شروع به زدنش کردند. گفت: چه شده؟

گفتند: با این فاحشه زنا کردی، و از تو پسری زائیده است.

گفت: بچه کجا است؟ پسر را آوردند و گفت: مرا بگذارید که نماز گزارم، سپس نماز گزارد، چون نماز را تمام کرد، نزد کودک آمده به شکمش زده و گفت: ای پسر پدرت کیست؟ گفت: فلان چوپان، مردم به جریج روی آورده او را بوسیده و به جانش دست می کشیدند و گفتند: عبادتگاهت را از طلا می سازیم.

گفت: نه مثل حالت اولیش از گل بسازید و آنها هم آنها درست کردند.

و طفلی بود که از پستان مادر شیر می خورد، مردی بر اسبی نفیس و ممتاز، و علامتی زیبا از کنارش گذشت.

مادرش گفت: خدایا پسر مرا مثل این مرد بگردان.

پسر پستان را رها کرده بطرف وی روی نمود و نگریسته و گفت: خدایا مرا مانندش مساز و سپس به پستان روی آورده شروع به مکیدن نمود. گویی من اکنون بسوی رسول الله ﷺ می نگرم و ایشان شیر خوردن او را به انگشت سبابه خود، که در دهن قرار داده می کند، تمثیل می نمایند. سپس فرمود: و از

کنار کنیزی گذشتند که مردم او را می زدند و می گفتند که تو زنا کردی، دزدی نمودی، او می گفت: حسی الله و نعم الوکیل. مادرش گفت: خدایا پسر مرا مثل این مساز. پسر پستان را رها نموده به او نگریسته و گفت: خدایا مرا مانند او بگردان.

در اینجا سخن را باز گردانیدند. مادر گفت: مردی نیکو شمائل گذشت و من گفتم: خدایا پسر مرا مثل او گردان، ولی تو گفתי خدایا مرا مثل او مگردان، و مردم این کنیز را بردند، در حالیکه او را می زدند و به او می گفتند که تو زنا کردی و دزدی نمودی، من گفتم: خدایا پسر مرا مثل او مگردان، تو گفתי: خدایا مرا مثل او گردان!

پسرک گفت: آن مرد ستمگر بود، گفتم خدایا مرا چون او مگردان. و به این کنیز می گفتند: زنا کردی، در حالیکه زنا نکرده، می گفتند: دزدی کردی در حالیکه دزدی نکرده بود، از اینرو گفتم: خدایا مرا مثل او بگردان».



تو هیچ مالی نداری، همه از پدرت هست!

۵۲- مردی پیش پیامبر ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله ﷺ من صاحب مال و اولادی هستم و پدرم می خواهد مال مرا از من بگیرد. پیامبر ﷺ به او فرمود: «أنت ومالك لأبيك» یعنی: «تو و مالت از آن پدرت هستی».^{۵۴}



اگر می خواهید فرزندانِ تان احترامِ تان را کند، پس احترام پدر و مادر را نمایید

۵۳- روایت می شود که پیامبر ﷺ فرموده اند: «بروا آباءکم تبرکُم أبناؤکم».^{۵۵}

یعنی: «با والدیتان نیکی کنید تا فرزندانِتان با شما نیکی کنند».



۵۴- أخرجه ابن أبي شيبة (۴/ ۵۱۷، رقم ۲۲۷۰۸).

۵۵- أخرجه الطبرانی في الأوسط (۱/ ۲۹۹، رقم ۱۰۰۲) قال الهيثمي (۸/ ۱۳۸): رجاله رجال الصحيح غير شيخ الطبرانی أحمد غير منسوب، والظاهر أنه من أكثرين من شیوخه فلذلك لم ينسبه. قال المناوی (۳/ ۲۰۰): قال المنذرى: إسناده حسن.

چشمانت را طرف والدینت ببند!

۵۴- معاویه بن اسحاق از عروه بن الزبیر روایت می کند که

فرموده است: «ما برّ والده من شدّ الطرف إليه».^{۵۶}

یعنی: «کسی که چشم خود را از توجه به سویی والدین ببندد به آنها نیکی و احسان نکرده است».



پدر مادر بعد از مرگ شان، بالای فرزندان چه حقی دارند؟

۵۵- وعن مالك بن ربيعة الساعدي رضي الله عنه قَالَ: «بَيْنَا نَحْنُ

جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ جَاءَهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي سَلَمَةَ، فَقَالَ: يَا

رَسُولَ اللَّهِ! هَلْ بَقِيَ مِنْ بَرِّ أَبَوَيْ شَيْءٍ أَبْرُهُمَا بِهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا؟

فَقَالَ: «نَعَمْ، الصَّلَاةُ عَلَيْهِمَا، وَالِاسْتِغْفَارُ لَهُمَا وَإِنْفَاذُ عَهْدِهِمَا مِنْ

بَعْدِهِمَا، وَصِلَةُ الرَّحِمِ الَّتِي لَا تُوصَلُ إِلَّا بِهِمَا وَإِكْرَامُ صَدِيقِهِمَا».^{۵۷}

یعنی: «مالک بن ربیعہ ساعدی رضي الله عنه می گوید: در لحظاتی که ما

نزد پیامبر ﷺ نشسته بودیم ناگهان مردی از بنو سلمه آمد و

۵۶- سیر أعلام النبلاء (ذهبی)، ۴ / ۴۳۳.

۵۷- رواه ابی داود قال الالبانی: ضعيف الاسناد.

گفت: ای پیامبر خدا! آیا از احسان و نیکی به پدر و مادرم چیزی بر عهده من باقی است تا پس از مرگشان آن را انجام دهم؟ رسول الله ﷺ فرمودند! برای آنان دعا کن و طلب آمرزش نما و پیمانی را که بسته اند بعد از مرگشان را گرامی دارد و صله رحمی را که بر عهده آنان بود بجا آورد و دوستانشان را گرامی دارد».

۵۶- مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا آیا بعد از وفات والدین نیکی کردن به آن ها وجود دارد؟ فرمود: «آری، نماز خواندن بر آن ها و طلب آمرزش برای آن ها، اجرا کردن عهد و قرارهای آن ها بعد از مرگشان، صله رحم با کسانی که با آن ها مرتبط بودند، احترام به دوستان آن ها».^{۵۸}

مَشَتْ

ختم کتاب بعون الله (اعقرب سال ۱۴۰۰)



فهرست مصادر ومراجع

- ١- أحاديث مختارة من موضوعات الجوزقاني وابن الجوزي تاليف شمس الدين الذهبي.
- ٢- أخبار مكة في قديم الدهر وحديثه تاليف: أبو عبد الله محمد بن إسحاق بن العباس المكي الفاكهي (المتوفى : ٢٧٢هـ).
- ٣- إطراف المسند المعتمد بأطراف المسند الحنبلي المؤلف : أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : ٨٥٢هـ).
- ٤- الآحاد والمثاني المؤلف : أحمد بن عمرو بن الضحاك أبو بكر الشيباني.
- ٥- الجامع في الحديث تأليف: عبد الله بن وهب بن مسلم القرشي أبو محمد المصري سنة الولادة / سنة الوفاة ١٩٧هـ.
- ٦- الجمع بين الصحيحين البخاري ومسلم تأليف: محمد بن فتوح الحميدي.
- ٧- السنن الكبرى وفي ذيله الجواهر النقي المؤلف : أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي.
- ٨- اللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان المؤلف : محمد فؤاد عبد الباقي.
- ٩- المجالسة وجواهر العلم المؤلف : أبو بكر أحمد بن مروان الدينوري المالكي (المتوفى : ٣٣٣هـ).
- ١٠- المعجم الأوسط المؤلف : أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني.

- ۱۱ - المعجم الصغير المؤلف : سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني.
- ۱۲ - المعجم الكبير المؤلف : سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني.
- ۱۳ - المتقى من السنن المسندة المؤلف : عبد الله بن علي بن الجارود أبو محمد النيسابوري.
- ۱۴ - موطأ الإمام مالك المؤلف : مالك بن أنس أبو عبد الله الأصبحي.
- ۱۵ - تهذيب الآثار أبو جعفر محمد بن جرير الطبري.
- ۱۶ - جامع الأحاديث المؤلف : جلال الدين السيوطي.
- ۱۷ - جامع الأصول في أحاديث الرسول المؤلف : مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري ابن الأثير (المتوفى : ٦٠٦ هـ).
- ۱۸ - جامع العلوم والحكم المؤلف : أبو الفرج عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلي.
- ۱۹ - رياض الصالحين المؤلف : النووي.
- ۲۰ - سنن أبي داود المؤلف : أبو داود سليمان بن الأشعث السجستاني.
- ۲۱ - سنن ابن ماجه المؤلف : محمد بن يزيد أبو عبد الله القزويني.

- ٢٢- الجامع الصحيح سنن الترمذي المؤلف : محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي.
- ٢٣- سنن الدارقطني المؤلف : علي بن عمر أبو الحسن الدارقطني البغدادي.
- ٢٤- سنن الدارمي المؤلف : عبدالله بن عبد الرحمن أبو محمد الدارمي.
- ٢٥- سنن النسائي بشرح السيوطي وحاشية السندي المؤلف : أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي.
- ٢٦- سنن سعيد بن منصور المؤلف : أبو عثمان سعيد بن منصور بن شعبة الخراساني الجوزجاني.
- ٢٧- شعب الإيمان المؤلف : أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي.
- ٢٨- صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان المؤلف : محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي.
- ٢٩- صحيح ابن خزيمة المؤلف : محمد بن إسحاق بن خزيمة أبو بكر السلمي النيسابوري.
- ٣٠- صحيح البخاري تأليف: أبو عبدالله محمد بن اسماعيل.
- ٣١- صحيح مسلم تأليف: أبو الحسين مسلم بن حجاج القشيري النيسابوري.

- ٣٢- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال المؤلف : علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان فوري (المتوفى : ٩٧٥هـ).
- ٣٣- مسند أبي عوانة تاليف: الإمام أبي عوانة يعقوب بن إسحاق الاسفرائني سنة الولادة / سنة الوفاة ٣١٦هـ.
- ٣٤- مسند أبي يعلى المؤلف : أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي.
- ٣٥- مسند الإمام أحمد بن حنبل المؤلف : أحمد بن حنبل.
- ٣٦- مسند إسحاق بن راهويه المؤلف : إسحاق بن إبراهيم بن مخلد بن راهويه الحنظلي.
- ٣٧- مسند ابن الجعد المؤلف : علي بن الجعد بن عبيد أبو الحسن الجوهري البغدادي.
- ٣٨- مسند الحميدي المؤلف : عبدالله بن الزبير أبو بكر الحميدي.
- ٣٩- الجامع الصحيح ويا مسند الإمام الربيع بن حبيب الربيع بن حبيب بن عمر الأزدي البصري.
- ٤٠- مسند الشافعي المؤلف : محمد بن إدريس أبو عبد الله الشافعي. پ
- ٤١- مسند الشاميين المؤلف : سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني.

- ٤٢ - مسند الشهاب المؤلف : محمد بن سلامة بن جعفر أبو عبد الله القضاعي.
- ٤٣ - مسند أبي داود الطيالسي - المشكول المؤلف : سليمان بن داود بن الجارود.
- ٤٤ - المنتخب من مسند عبد بن حميد المؤلف : عبد بن حميد بن نصر - أبو محمد الكسي.
- ٤٥ - مُصنّف ابن أبي شيبة المصنّف : أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة العبسي الكوفي (١٥٩ - ٢٣٥ هـ).
- ٤٦ - مصنف عبد الرزاق المؤلف : أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني.
- ٤٧ - سنن أبي بكر الأثرم المؤلف : أبو بكر أحمد بن محمد بن هانئ الأثرم.
- ٤٨ - سنن ابن ماجه المؤلف : ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني.
- ٤٩ - سنن النسائي المؤلف : أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي.
- ٥٠ - مسند أبي هريرة رضي الله عنه المؤلف : أبو إسحاق إبراهيم بن حرب العسكري السمسار.
- ٥١ - مسند أحمد بن حنبل المؤلف : أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني.

- ٥٢- مسند البزار (المطبوع باسم البحر الزخار) المؤلف : أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق البزار.
- ٥٣- مسند السراج - المؤلف : محمد بن إسحاق بن إبراهيم السراج الثقفي النيسابوري.
- ٥٤- مشكاة المصابيح المؤلف : محمد بن عبد الله الخطيب التبريزي.